

دوره نهم

رمضان - شماره هفتم



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
روابط عمومی



## تحلیل پیام های قرآنی در ماه مبارک رمضان - بخش سوم

### پیام سوم قرآنی: ذکر خداوند متعال

ذکر الهی یکی از پیام ها و درس های عرفانی و اخلاقی است که نه تنها دویست مرتبه در قرآن آمده است بلکه سفارش مؤکد بر انجام و مراقب از آن گردید.

از همین رو و در آیه (۴۱) سوره آل عمران خطاب به حضرت ذکریا می فرماید: ((وَاذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ: پروردگار خود را (به شکرانه ی این نعمت) بسیار یاد کن و هنگام شب و صبح او را تسبیح گوی.)) و همچنین در آیه (۲۰۵) اعراف می فرماید ((اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ: وپروردگارت را از روی خوف و تضرع، آهسته و آرام در دل خود و در هر صبح و شام یاد کن (وازغافلین مباش)) و نیز در آیه (۴۱) سوره احزاب آمده است ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا: ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید.))

برای اینکه نسبت به این دستور العملی قرآنی شناخت و معرفت لازم پیدا کنیم تابکار ببندیم بیان چند نکته لازم است:

#### ۱- تعریف ذکر و تفاوت آن با ورد و دعا

مقصود از ((ذکر)) تلفظ کردن اسماء (یا الله تعالی)، صفات جمال (یا رحمان رحیم، تواب، ستار، غفار طیب، حبیب) صفات جلال (یا قهار منتقم، متکبر)

صفات افعال (یا خالق،، صانع) در هر حال، در هر مکان، در هر زمان است، از همین روست که در آیه (۱۹۱) سوره آل عمران در توصیف متقین آمده است: ((۱۹۱)) الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ: (خردمندان) کسانی هستند که ایستاده و نشسته و (خوابیده) بر پهلو یاد خدا می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین اندیشه می کنند (و از عمق جان می گویند): پروردگارا! این هستی را باطل و بی هدف نیافریده ای، تو (از کار عبث) پاک و منزهی، پس ما را از عذاب آتش نگهدار!))

((ورد)) همان ذکر و تلفظ و به زبان آوردن، اسماء، صفات، افعالی الهی است ولی با عدد خاص، و در زمان خاص و عدد خاص است که نبایست کم یا زیاد شود و این نشان می دهد که هر کلیدی با خاصی قفل بسته شده را باز می کند، مثل سه بار تکرار کردن ((یارب، یارب، یارب)) دعای کمیل، ده بار اسم جلاله ((یا الله)) و نیز اسماء معصومین عليهم السلام که مظهر اسماء الحسنی هستند در مراسم ویژه قرآن به سرگرفتن لیالی قدر از همین روست د روایت آمده است: ((در روایات آمده: هر کس سی بار ذکر «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر» را با اخلاص بگوید و به مفاهیم بلند آن دل سپارد، خدا را فراوان یاد کرده است. و از اما صادق علیه السلام رسیده که «هر کس تسبیح حضرت فاطمه فاطمه زهرا سلام الله علیهم را بگوید خدا را فراوان یاد کرده است: مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۰.))

((دعا)) همان تلفظ و به زبان آوردن اسماء، صفات، و افعال الهی است همراه با درخواست و مطالبه حاجت از پیشگاه خداوند متعال.



## ۲- مراتب ذکر الهی

اسارت نفس می‌رهاند. اگر قلب به تذکر محبوب و یاد حق تبارک و تعالی عادت کرد و با آن عجین شد، انسان را دگرگون می‌کند، بطوری که چشم، زبان، دست، پا و سایر اعضا، با ذکر حق انجام می‌گیرد و برخلاف وظایف، امری انجام نمی‌دهند.

اثر معنوی ذکر را بایست در مراتب ذکر جستجو کرد، چراکه از منظر آیات و روایات ذکر سه مرتبه دارد، و هر مرتبه اذکر اثر خاص خودش را دارد:

### الف- ذکر زبانی:

کامل‌ترین و بهترین مراتب ذکر نیز همین است که در همه مراتب انسانی، جاری شده و حکمش ظاهر و باطن و نهان و آشکار را در برگیرد و اگر ذکر زبانی نیز از نظر مکتب اسلام مطلوب است و به آن سفارش شده، سرّش در آن است که زبان قلب گشوده شود و بحدی برسد که زبان، چشم، گوش و سایر اعضای بدن از قلب پیروی کنند تا بدین وسیله دل برای ورود صاحب منزل، پاک و پاکیزه گردد.

مقصود از ذکر ربانی حمد و ثنای الهی، نجوا کردن (آهسته حرف زدن)، درد دل کردن، درخواست کمک از درگاه خدای سبحان و پناه بردن از شر شیاطین انس و جن به آن بارگاه مقدس است.

### ج- ذکر عملی:

مقصود از ذکر عملی آنست که انسان در عمل، خدا را ناظر و شاهد اعمال و رفتار خود دانسته، هر جا که صحبت واجب باشد، آنجا حاضر بوده و هر جا که صحبت از محارم الهی، گناه و نافرمانی خدا باشد، غایب باشد و در حال گناه و نافرمانی دیده نشود.

ذکر زبانی گرچه نسبت به مراتب دیگر ذکر پایین‌تر است ولی در عین حال اثر خاص خودش را دارد ولی مهم این است که ذکر زبانی لقلقه زبان نشود و همراه با غفلت دل نباشد، بلکه ذکر زبانی نشان ذکر قلبی و ابراز مکنون دل باشد یا دست‌کم مقدمه ذکر قلبی گردد.

«وَأذْكَرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ» (۵۵ / اعراف): پروردگارت را در دل خود، از روی تضرّع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن و از غافلان مباش!

### ب- ذکر قلبی:

این نوع ذکر در آیات قرآن، به تعبیر گوناگون، در مورد اعمال انسانی به کار رفته است با توجه به این مراتب از ذکر است که امام العارفین امیر المؤمنین ((وله و شیدایی ذکر)) که همان اوج ((ذکر لفظی، قلبی، عملی)) است از حق تعالی مطالبه می‌کند و در فرازی از مناجات شعبانیه اینگونه مناجات می‌کند: ((الهی وَالْهَمْنِي وَلَهَا بِذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ: معبود من! شیدایی و شیفتگی به ذکرت را الهام فرما))

مقصود از ذکر قلبی همان توجه قلبی به خدای سبحان است که دل را صفا و صیقل داده، جلوه‌گاه محبوب می‌کند و روح را تصفیه کرده، انسان را از قید



### ۳- آثار عملی و کاربردی ذکر الهی

باتامل درایات و روایات مربوط به ذکر می توان فهرستی از آثار عملی ذکر را استخراج و برداشت نمود به چند نمونه از مهمترین آثار ذکر را در اینجا می آوریم.

نخستین اثر عملی ذکر ایجاد تفکر و اندیشه کردن در عالم هستی و به هم رسیدن سلوک باطنی با سلوک فکری در وصول و لقاء به حضرت حق است، به این معنا ذکر لفظی مقدمه و بستری می شود که قلب را متوجه خدا و یاد حضرت حق نماید معنا و مضمون اسماء، صفات جمال و جلال، و صفات افعال تصور و ملاحظه نماید،

ذکر قلبی مقدمه و زمینه می شود که عقل را وادارد به مطالعه و تفکر در نظام هستی و آفرینش نماید و با چنین معرفت و شناخت سالک واصل الی الله شود از همین روست که درایه (۴۱) سوره آل عمران نتیجه و ثمره ذکر را تفکر در عالم آفرینش دانسته و می فرماید: **الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ:** (خردمندان) کسانی هستند که ایستاده و نشسته و (خوابیده) بر پهلو یاد خدا می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین اندیشه می کنند (و از عمق جان می گویند): پروردگارا! این هستی را باطل و بی هدف نیافریده ای، تو (از کار عبث) پاک و منزهی، پس ما را از عذاب آتش نگهدار!)

دومین ثمره عملی ذکر الهی ((آرامش قلبی و روانی)) است، چرا که منشاء ناامیدی، افسردگی، اضطراب، احساس تنهایی، نداشتن تکیه گاه مطمئن و قابل

اعتماد است، اما ذکر الهی و به یاد خدا بودن و متصل شدن به غنی مطلق از نظر قلبی، و فکری آنچنان آرامش وطمینانیه در سراسر وجود انسان به وجود می آید که حاضر نمی شود آن را باهیچ امری معامله کند، از همین رو درایه (۲۸) سوره رعد آمده است: **((الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ:))** (هدایت شدگان) کسانی هستند که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می گیرد. بدانید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می گیرد.))

سومین ثمره عملی ذکر قدرت ((دفع)) در مقابل معصیت و ((واکسینه)) شدن در مقابل محرمات الهی است به این معنا ذکر الهی و قلبی آنچنان حوضچه وجودی انسان پر می کند که خدا را ناظر و حاضر در برابر خویشتن می بیند و چون خدا را حاضر می بیند، جرئت برجسارت در ارتکاب گناه از شخص گرفته می شود، با وجود قدرت برگناه مرتکب گناه نمی شود و گناه را از خود دفع می کند از همین روست در سوره اعلی پیوندی ظریف بین ذکر لفظی، قلبی و عملی ایجاد کرده و می فرماید: **((قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى «۱۴» وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى «۱۵» «۱۴»:** به راستی رستگار شد آن کس که خود را (از پلیدی ها) پاک گردانید. «۱۵» نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گذارد))

چهارمین ثمره ذکر قدرت ((رفع)) و توفیق توبه پیدا کردن از گناه است، به این معنا اگر از سر تقصیر یا قصور حریم و حرکت الهی را شکسته باشد و مرتکب معصیت و محرمات الهی شده باشد ذکر و یاد حضرت حق موجب می شود که توفیق توبه پیدا کند و از تور پهن شده شیطان و نفس رهایی پیدا کند و به آغوش حق تعالی برگردد از همین رو قرآن کریم در ایه (۱۳۵)



نازل می شود که برترین والاترین مرتبه از ارتباط باقر آن همین مرتبه است از همین روست که امام سجاد علیه السلام فرمود: ((علیک بالقرآن، فإن الله خلق الجنة... و جعل درجاتها على قدر آيات القرآن، فمن قرأ القرآن قال له: اقرأ و ازق، و من دخل منهم الجنة لم يكن في الجنة أعلى درجة منه ما خلا التبيين و الصديقون: بر تو باد قرآن؛ زیرا خداوند بهشت را آفرید... و درجات آن را به اندازه آیات قرآن قرار داد. پس هر که قرآن بخواند، قرآن به او می گوید: بخوان و بالا رو. و هر کس از این افراد وارد بهشت شود در آن جا کسی بلند مرتبه تر از او نخواهد بود مگر پیامبران و صدیقان: بحار، ج ۳۹، ص ۱۳۲))

### ۳- تدبر گام دوم انس باقران

هرچند در آیات و روایات ((تلاوت قرآن)) از اهمیت ویژه ای برخوردار است، و گام نخست انس و ارتباط باقران می باشد ولی آنچه که بیش از تلاوت، از نظر قرآن و روایات اهمیت دارد ((تدبر)) در آیات قرآن به هنگام تلاوت است که زمینه ارتباط باجان و روح قرآن را فراهم می کند از همین رو در آیه (۲۹) سوره (ص) آمده است:

((كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ: قرآن کتاب بابرکتی است که آن را به سوی تو (ای پیامبر) فرستادیم تا (مردم) در آیات آن تدبر کنند و برای خردمندان تذکر است.)) همچنین در آیه (۲۴) سوره مائده آمده است:

((أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا: آیا در قرآن تدبر نمی کنند یا بر قلب آنها قفل است؟)) را

ال عمران با لطافت خاصی بین ذکر و توبه پیوند ایجاد نموده و می فرماید: (۱۳۵) «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ ۖ فَاِنَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (افراد با تقوا) کسانی هستند که هرگاه کار زشتی انجام دهند و یا به خویشتن ستم کنند، خدا را یاد کرده و برای گناهان خود استغفار می کنند.))

### ۲- مراتب تلاوت و قرائت قرآن

تلاوت و قرائت قرآن می تواند در چهار مرتبه انجام بگیرد و هر کس در هر مرتبه وپ له ای از تلاوت قرار بگیرد از نظر معنوی و سلوک قلبی به همان اندازه و مرتبه انس و ارتباط باقرآن برقرار می کند و به همان مرتبه از اجر اخروی سهم می برد.

مرتبه اول: این است قاری خودش را در برابر کتابی ببیند که ۱۱۴ سوره و شش هزار و دویست سی و شش آیه دارد و نیز وحی الهی است تصور دیگری ندارد و با همین قصد قرآن را تلاوت می کند.

مرتبه دوم: تلاوت این است که قاری حجاب مکانی و زمانی را کنار بزند و انچنان ترقی پیدا کند، آیات را به گونه ای تلاوت نماید مثل اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله برایش می خواند

مرتبه سوم: از تلاوت قرآن به این است قاری به گونه ای قرآن را تلاوت نماید مثل این که می بیند جبرئیل آیات قرآن را بر پیامبر نازل می کند.

مرتبه چهارم: این است قاری و تلاوت کننده به گونه ای قرآن را تلاوت کند مثل این که قرآن بر خوردش



ز حکمت تدبر درایات قرآن دراین است که قرآن در چهار سطح قرار دارد و هرکس به تناسب استعداد و ظرفیت خودش می تواند آن سطح را فهم کرده پیام آن مرتبه را دریافت نماید و در متن زندگیش راه دهد از همین روست امام سجاد(ع) می فرماید: ((قران در چهار سطح قرار دارد که شامل عبارت، اشاره، لطایف و حقایق است. عبارت آن برای عوام، اشارت آن برای خواص، لطایف آن برای اولیا و حقایقش برای انبیاست: کتاب الله عز وجل على أربعة أشياء: على العبارة، والإشارة، واللطائف، والحقائق. فالعبارة للعوام، والإشارة للخواص، واللطائف للأولياء، والحقائق للأنبياء: بحار، ج ۹۲ ص ۹۶۶)

به قلم: «مبلغ نخبه حجت الاسلام و المسلمین سید محمدتقی قادری»

منبع: <https://www.balagh.ir>





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

